سازمان‌ دعوت‌ اسماعیلیان فاطمی

تأسیس دارالحکمة

خلیفه ششم‌ فاطمی‌، حاکم‌ که‌ توجه‌ خاصی‌ به‌ امور دعوت‌ و تعلیم‌ داعیان‌ فاطمی‌ داشت‌، دارالعلم‌ (دارالحکمه‌) را برای‌ این‌ منظور در ۳۹۵ق‌/۱۰۰۵م‌ بنیان‌ نهاد. این‌ مرکز علمی‌ که‌ دارای‌ کتابخانه نفیسی‌ بود، برای‌ اشاعه اصول‌ عقاید شیعیان‌ به‌ طور کلی‌، و اسماعیلیان‌ فاطمی‌ به‌ طور اخص‌ مورد استفاده‌ قرار گرفت‌. دارالعلم‌ که‌ تحت‌ ریاست‌ داعی‌ الدعات‌ قرار داشت‌، و با دعوت‌ اسماعیلیه‌ به‌ طور نزدیکی‌ مرتبط بود، تا آخر دولت‌ فاطمیان‌ هم‌چنان‌ پای‌برجا ماند.

اصول‌ عقاید اسماعیلیان‌ فاطمی‌ که‌ از زمان‌ معز، به‌ «حکمت‌» مشهور شده‌ بود، در این‌ مرکز تدریس‌ می‌شد و در همان‌جا داعیان‌ فاطمی‌ نیز تعالیم‌ لازم‌ را کسب‌ می‌کردند. حاکم‌ اغلب‌ شخصاً در جلسات‌ درس‌ دارالعلم‌ که‌ گاه‌ تنها به‌ اسماعیلیان‌ اختصاص‌ داشت‌، حضور می‌یافت‌. شماری‌ از فقهای اهل‌ سنت‌ نیز در دارالعلم‌ مدرس‌ بودند.

اجرای احکام

در داخل‌ محدوده دولت‌ فاطمی‌، احکام‌ و تعالیم‌ مذهب‌ اسماعیلی‌ آشکارا توسط فقهای‌ اسماعیلی‌ به‌ مورد اجرا گذارده‌ می‌شد و قاضی‌ القضات‌ اغلب‌ سمت‌ داعی‌ الدعات‌، یا ریاست‌ اجرایی‌ سازمان‌ دعوت‌ را نیز بر عهده‌ داشت‌.

مجالس الدعوة

در مصر، برنامه‌های‌ درسی‌ و علمی‌ گوناگونی‌ برای‌ تعلیم‌ گروه‌های‌ مختلف‌ اسماعیلیان‌ و داعیان‌ آن‌ها تدوین‌ یافته‌ بوده‌ است‌ که‌ به‌ «مجالس‌» (مجالس‌ الدعوه‌) شهرت‌ داشتند و در الازهر و دارالعلم‌ و دیگر مؤسسات‌ علمی‌ قاهره‌ توسط فقها و متکلمان‌ اسماعیلی اجرا می‌شدند.

مجالس الحکمة

در میان‌ این‌ مجالس‌، جلساتی‌ که‌ به‌ مباحث‌ کلام‌ و حکمت‌ اختصاص‌ داشتند، به‌ «مجالس‌ الحکمه‌» مشهور بوده‌، و شرکت‌ در آن‌ها برای‌ عموم‌ اسماعیلیان‌ امکان‌پذیر نبوده‌ است‌. اغلب‌ داعی الدعات‌ شخصاً مطالب‌ مجالس‌ را تهیه‌ و تنظیم‌ می‌کرده‌ که‌ مهم‌ترین‌ نمونه آن‌ در المجالس‌ المؤیدیه‌ تبلور یافته‌ است‌.

وظایف داعی الدعات

در مورد سازمان‌ دعوت‌، داعی‌ الدعات‌ مسئولیت‌ انتخاب‌ داعیان‌ مناطق‌ تحت‌ استیلای‌ فاطمیان‌ را نیز به‌ عهده‌ داشته‌ است‌. این‌ نمایندگان‌ رسمی‌ «دعوت‌ هادیه‌»، به‌ تمام‌ شهرهای‌ مصر و هم‌چنین‌ دیگر بلاد فاطمی‌ مانند دمشق‌، صور، عکا، رمله‌ و عسقلان‌ گسیل‌ می‌شدند. به‌ نظر می‌رسد که‌ در مورد انتخاب‌ داعیان‌ مناطق‌ خارج‌ از مرزهای‌ حکومت‌ فاطمیان‌ نیز داعی الدعات‌ نقش‌ مهمی‌ داشته‌ است‌.

اطلاعات‌ بیشتری‌ درباره وظایف‌ خاص‌ داعی‌ الدعات‌ که‌ از مقر مرکزی‌ دعوت‌ در پایتخت‌ فاطمیان‌ به‌ امور کلی‌ دعوت‌ رسیدگی‌ می‌کرده‌ است‌، در دست‌ نیست‌. خود عنوان‌ داعی‌ الدعات‌ نیز عمدتاً در منابع‌ غیر اسماعیلی‌ به‌ کار رفته‌ است‌.

جایگاه داعی الدعات

متون‌ اسماعیلی‌ِ برجا مانده‌ از دوره فاطمی‌ که‌ به‌ سلسله‌ مراتب‌ دعوت‌ اشاره‌ دارند، معمولاً عنوان‌ «باب‌» و گاهی‌ «باب‌ الابواب‌» را به‌ صورت‌ مترادف‌ با واژه داعی‌ الدعات‌ در مورد رئیس‌ اجرایی‌ سازمان‌ دعوت‌ به‌ کار برده‌اند.

حمیدالدین‌ کرمانی‌ اشارات‌ متعددی‌ به‌ اهمیت‌ مقام‌ باب‌ و نزدیکی‌ او به‌ شخص‌ امام‌ دارد. باب‌ که‌ زیر نظر مستقیم‌ امام‌، مسئول‌ اداره امور عالیه‌ و طرح‌ سیاست‌های‌ کلی‌ دعوت‌ بوده‌، با کمک‌ چندین‌ دستیار به‌ وظایف‌ خود عمل‌ می‌کرده‌ است‌.

باب‌ از میان‌ عالم‌ترین‌ و متقی‌ترین‌ اسماعیلیان‌ واجد شرایط برای‌ احراز این‌ سمت‌، و توسط شخص‌ امام‌ اسماعیلی‌ برگزیده‌ می‌شده‌ است‌.

سلسله مراتب

برخی‌ از مؤلفان‌ اسماعیلی‌ اشارات‌ نادر و پراکنده‌ای‌ به‌ سلسله‌ مراتب‌ سازمان‌ دعوت‌ فاطمی‌ دارند که‌ به‌ «حدود دین‌» یا «مراتب‌ الدعوه‌» معروف‌ بوده‌ است‌.

این‌ سازمان‌ به‌ تدریج‌ طی‌ دوره فاطمی‌ توسعه‌ و تحول‌ یافت‌ و در زمان‌ حاکم‌ شکل‌ خاص‌ و ثابتی‌ پیدا کرد؛ ولی‌ سلسله‌ مراتب‌ دعوت‌ در زمان‌ داعی‌ الدعات‌ المؤید به‌ صورت‌ نهایی‌ خود در آمد.

یادآوری‌ این‌ نکته‌ لازم‌ است‌ که‌ سازمان‌ کامل‌ دعوت‌ فاطمی‌ منعکس‌ کننده الگویی‌ آرمانی‌ برای‌ زمانی‌ که‌ دنیای‌ اسلام‌ کلاً تحت‌ استیلای‌ امام‌ اسماعیلی‌ قرار می‌گرفته‌، بوده‌ است‌.

به‌ عبارت‌ دیگر، نه‌ تنها تمام‌ سلسله‌ مراتب‌ دعوت‌ همواره‌ اشغال‌ نشده‌ بوده‌اند، بلکه‌ بعضی‌ از مراتب‌ آن‌ همیشه‌ خالی‌ می‌مانده‌ است‌. توضیحات‌ ناقص‌ و پراکنده‌ای‌ درباره سلسله‌ مراتب‌ دعوت‌ فاطمی‌، پس‌ از حدود امام‌ و باب‌ (داعی‌ الدعات‌) وجود دارد.

جزایرالارض

تمامی‌ منابع‌ اسماعیلی‌ متفقند که‌ جهان‌، یا به‌ طور دقیق‌تر سرزمین‌های‌ غیر فاطمی‌ آن‌، به‌ ۱۲ جزیره‌ تقسیم‌ می‌شده‌، و هر یک‌ از این‌ جزایر، منطقه جداگانه‌ و مستقلی‌ برای‌ اشاعه دعوت‌ اسماعیلیه‌ بوده‌ است‌.

این‌ ۱۲ منطقه‌، یا «جزایر الارض‌»، عبارت بوده‌اند از سرزمین‌های‌ عرب‌، روم‌، صقالبه‌، نوب‌، خزر، هند، سند، زنج‌، حبش‌، چین‌، دیلم‌ (سرزمین‌ ایران‌) و بربر. هر یک‌ از این‌ جزایر زیر نظر یک‌ داعی‌ عالی‌ رتبه‌ بوده‌ که‌ عنوان‌ حجت‌ داشته‌ است‌.

حجت

در آثار اسماعیلی‌ صدر دوره فاطمی‌، به‌ حجت‌ با نام‌های‌ دیگری‌ مانند «نقیب‌» و «لاحق‌» و «ید» هم‌ اشاره‌ رفته‌ است‌، ولی‌ این‌ عناوین‌ به تدریج‌ منسوخ‌ شده‌ بوده‌ است‌. حجت‌ در هر جزیره‌ عالی‌ترین‌ مرجع‌ دعوت‌ و صدر داعیان‌ آن‌جا بوده‌ است‌.

طبقه‌بندی داعیان

در سلسله‌ مراتب‌ دعوت‌، پس‌ از باب‌ و حجت‌، داعیان‌ مختلف‌ بوده‌اند که‌ در هر جزیره‌ مسئولیت‌ فعالیت‌های‌ خاصی‌ را به‌ عهده‌ داشته‌اند. شمار داعیان‌ بعضی‌ از جزایر به‌ حدود ۳۰ نفر می‌رسیده‌ است‌. منابع‌، داعیان‌ را در ۳ ردیف‌ طبقه‌بندی‌ کرده‌اند که‌ به‌ ترتیب‌ اهمیت‌ عبارت‌ بوده‌اند از:

«داعی‌ بلاغ‌»، «داعی‌ مطلق‌»، و «داعی‌ محدود (محصور).

درباره وظایف‌ گوناگون‌ این‌ ۳ نوع‌ داعی‌ اطلاعات‌ خاصی‌ در دست‌ نیست‌؛ داعی محدود احتمالاً دستیار اصلی‌ داعی‌ مطلق‌ بوده‌، و در غیاب‌ حجت‌ و داعی‌ بلاغ‌ هر جزیره‌، داعی‌ مطلق‌ آن‌جا اختیارات‌ تام‌ می‌یافته‌ است‌. داعی بلاغ‌ نیز عمدتاً نقش‌ رابط بین‌ سازمان‌ مرکزی‌ دعوت‌ در پایتخت‌ فاطمی‌ و مرکز محلی‌ دعوت‌ در هر جزیره‌ را به‌ عهده‌ داشته‌ است‌.

در اوایل‌ دوره فاطمیان‌، گاهی‌ عناوین‌ دیگری‌ مانند «جناح‌»، به‌ جای‌ داعی‌، در سرزمین‌های‌ ایرانی‌ به‌ کار می‌رفته‌ است‌.

مأذون

داعیان‌ با کمک‌ دستیارانی‌ فعالیت‌ می‌کردند که‌ به‌ طور کلی‌ «مأذون‌» خوانده‌ می‌شدند. در تشکیلات‌ دعوت‌ در هر جزیره‌ دست‌ کم‌ دو نوع‌ مأذون‌ وجود داشته‌ است‌: مأذون‌ مطلق‌ و مأذون‌ محدود (محصور)؛ مأذون‌ محدود سرانجام‌ عنوان‌ «مُکاسِر» یافت‌.

مأذون‌ مطلق‌، یا دستیار اصلی‌ داعی‌ که‌ اغلب‌ خود بالمآل‌ به‌ مقام‌ داعی‌ ارتقا می‌یافت‌، اجازه‌ یا «اذن‌» داشته‌ است‌ تا از تازه‌ واردان‌ به‌ جماعت‌ اسماعیلیه‌ عهد یا میثاق‌ معمول‌ را اخذ کند. وی‌ هم‌چنین‌ مقررات‌ متداول‌ را به‌ نواسماعیلیان‌ می‌آموخته‌ است‌. مسئولیت‌ اصلی‌ مکاسر که‌ اختیاراتش‌ محدود بوده‌، شناسایی‌ و انتخاب‌ افراد برای‌ ورود به‌ جماعت‌ اسماعیلیه‌ بوده‌ است‌.

تعلیم‌ مأذون‌ها بر عهده داعیان‌ بوده‌ است‌ و خود داعیان‌ اغلب‌ در دارالعلم‌ و دیگر مؤسسات‌ تخصصی‌ قاهره‌ تعلیم‌ می‌یافتند و سپس‌ به‌ جزیره محل‌ مأموریتشان‌ فرستاده‌ می‌شدند. ضمن‌ این‌که‌ تماس‌ مستمر بین‌ هر جزیره‌ و مرکز دعوت‌ در پایتخت‌ فاطمی‌ وجود داشته‌ است‌، داعیان‌ به‌ میزان‌ قابل‌ توجهی‌ از استقلال‌ عمل‌ در محل‌ مأموریت‌ خود برخوردار بوده‌اند.

مستجیب

اسماعیلیان‌ عادی‌ مقامی‌ در تشکیلات‌ دعوت‌ نداشتند و معمولاً «مستجیب‌» نامیده‌ می‌شدند. سلسله‌ مراتب‌ هفت‌ ‌گانه دعوت‌، از باب‌ (داعی الدعات‌) تا مکاسر (مأذون‌ محدود)، همراه‌ با وظایف‌ اصلی‌ و آرمانی‌ آن‌ها توسط داعی‌ کرمانی‌ تشریح‌ شده‌ است‌.